

فرهنگ

چهارشنبه ۸ تیر ۱۴۰۱ شماره ۴۲۸

۱۲

چهارشنبه ۸ تیر ۱۴۰۱ شماره ۴۲۸

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

مجید جلیسه
کارشناس حوزه کتاب

اصلی‌ترین دلیل ساخت و توسعه دستگاه چاپ بالابرین شمارگان کتاب بود و در تمامی این سال‌ها تولیدکنندگان دستگاه‌های چاپ تمامی تلاش‌شان معطوف به این مهم بود که بتوانند در مدت زمانی کم تعداد فراوانی نسخه هم‌سنگ فراهم کنند تا تعداد بیشتری از اهالی کتاب بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

از ابتدای ظهور صنعت چاپ در دنیا و صدالیت‌این اثران شمارگان کتاب رابطه مستقیمی با جمعیت پاسود که اصلی‌ترین جامعه مخاطب کتاب به‌شمار می‌رفتند، داشته است. هرچقدر جامعه مخاطب بیشتری برای کتاب وجود داشته باشد شمارگان کتاب نیز بالاتر می‌رود.

ناشران براساس معیارهای مختلفی شمارگان کتاب موردنظر خود را انتخاب می‌کنند و بدون شک جامعه مخاطب هر اثر اولین گزینه تاثیرگذار برای انتخاب شمارگان هر کتاب به‌شمار می‌رود. جمعیت کشور و البته جمعیت پاسود آن مخاطبان اصلی کتاب‌ها به‌شمار می‌روند و بدون شک هرچه جغرافیا و جامعه مخاطب کتاب گسترده‌تر باشد ناشر این امکان را دارد که شمارگان کتاب خود را نیز افزایش دهد. از هر رمن در میان ناشران کشورهای توسعه یافته گسترش هرچه بیشتر بازارهای هدف از مهم‌ترین اصول اولیه توسعه کسب‌وکار به‌شمار می‌رود و در این میان سهم کتاب‌های منتشره به زبان انگلیسی در دنیا بیش از هر زبانی است.

آیا در ایران نیز شمارگان کتاب تابعی از جمعیت کل و پاسود کشور بوده است یا خیر؟

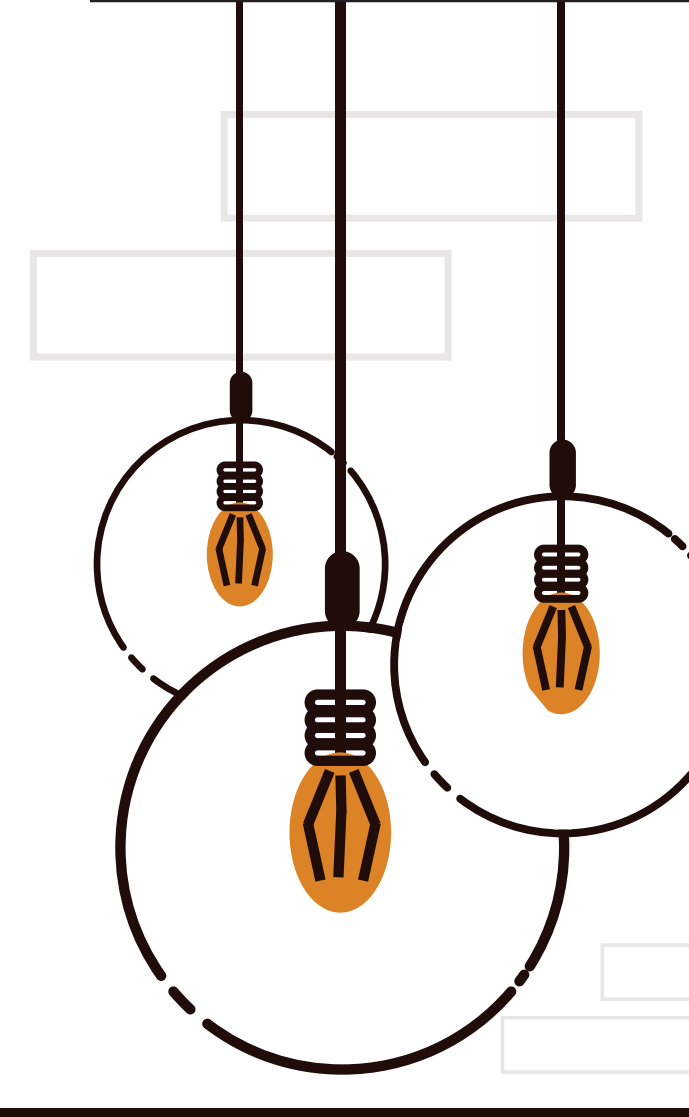
دوره قاجار
ما آگاهی از شمارگان اولین کتاب چاپی ایران یعنی «رساله جهادیه» که در سال ۱۲۳۳ تا ۱۲۹۷.ش در تیریز منتشر شد نداریم. اما می‌دانیم که سه سال بعد از آن کتاب گلستان سعدی یا تیراز ۲۰۰ نسخه منتشر می‌شود. مطابق بررسی‌هایی که طی سالیان مختلف در دوره قاجار انجام می‌گردد مشخص می‌شود متوسط شمارگان کتاب در آن دوره ۵۰۰ الی ۷۵۰ نسخه بوده است. (شمارگان در کتاب‌های چاپ سنگی ایران: ۹۸) از طرفی دیگر هرچند آمارها درباره جمعیت ایران دقیق نیست اما متوسط آمار ایران در آن دوره بین ۵ الی ۱۰ میلیون نفر برآورد می‌شود. اما بد



چند روز پیش در همین صفحه آماری در حوزه نشر و کتاب منتشر کردیم که علاوه بر اهمیت آن، نظر بسیاری از کارشناسان این حوزه را جلب کرد و به تحلیل این آمار در صفحات مجازی پرداختند. آمار و نمودارها مربوط به تعداد شمارگان، تعداد عناوین ترجمه و تالیف کتاب، قیمت کتاب و همچنین پر شمارگان‌ترین پدیدآورندگان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ را نشان می‌داد. این آمارها نشانهای واضح و عیان از حرکت نرم و پیش‌رونده بود که در فضای نشر درحال رخ دادن است؛ مثلاً طی ۱۰ سال گذشته، شمارگان کتاب ۸۵ میلیون کاهش یافته است و در سال‌های گذشته فعالان حوزه کتاب نسبت به آن هشدار داده بودند. نویسندگان و کارشناسان فعال در حوزه کتاب نسبت به این اطلاعات، واکنش‌های متفاوتی داشتند. در صفحه امروز به سراغ چهار تن از کارشناسان این حوزه وقیمت تا نظر شان را درخصوص این آمار بشنویم.

نیمه‌پنهان کاهش شمارگان کتاب

کاری نمی‌شود کرد و اصل نباید برایشان کاری کرد، اما بخش دیگر عوامل چنین نیست. آن بخش ناگزیر ماجرا، پیشرفت تکنولوژی و تبعات آن است. حالا بخشی از کتابخوان‌ها، کتاب موردعلاقه‌شان را به‌صورت الکترونیک و روی دستگاه‌های دیجیتال می‌خوانند و گروهی دیگر هم از کتاب صوتی استفاده می‌کنند. به‌علاوه پیشرفت‌های حوزه چاپ باعث شده دیگر نیازی به فیلم و ریزنک و سایر تجهیزات نباشد که زمانی هزینه همین‌ها باعث می‌شد چاپ در زیر تعداد مشخصی به‌صرفه نباشد. حالا روش چاپ براساس تقاضا (print on demand) شکل گرفته که اتفاقاً برای کتاب‌های تخصصی در حوزه‌های کم‌مخاطب بسیار هم مفید و کارراه‌انداز است. به اینها اضافه کنید رواج انواع و اقسام روش‌های سرگرمی و وقت‌گذراندن را که قبلاً یا نبود یا این‌همه نبود. بخشی از افرادی که قبلاً اوقات فراغت‌شان را با کتاب پر می‌کردند و یا بد دل‌بدها لشخصیت‌های یک داستان خوب دادن، سر خود را گرم می‌کردند، حالا با فیلم و سریال و شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذرانند و درست همین‌جاست که دسته دوم دلائل افت تیراز خودشان را نشان می‌دهند. وقتی یک نفر رقیب قدر پیدا می‌کند، طبیعتاً باید خود را تقویت کند تا رزورش بر حریف بچربد. آیا چنین اتفاقی در حوزه نشر ما افتاده است؟ کتاب‌ها در روزگار دیجیتال



مترجم‌هایی که وجود خارجی ندارند، از کجا آمدند؟

ایران و نه در جهان چنین مسأله‌ای را تأیید نمی‌کند. از طرفی فرمت کتاب‌ها درحال تغییر است و به‌صورت الکترونیک‌ی یا صوتی منتشر می‌شود. از سبوی بحث نیز زبانی از وقت آزاد مردم که پیش‌تر صرف خواندن کتاب و نشریات می‌شد درحال حاضر به فضای مجازی اختصاص یافته است. چنین سوادری باعث شده است که صنعت چاپ کاملاً منقرض و منقبض شود. به سبست روشی از چاپ که به آن دیجیتال گفته می‌شود سوق پیدا کرده است، در این روش به ازای هر خرید، چاپ صورت می‌گیرد. استفاده از پرنتر و صفای خانگی که کاریک مجموعه چاپی را در مقیاس کوچک‌تر انجام می‌دهد نیز افزایش داشته است. چنین مسائلی باعث شده است که صنعت چاپ وضعیت عجیب و وخیمی را تجربه کند.

مسأله شمارگان و افت آن بسیار مهم است، شما فکر کنید که طی چند سال چقدر شمارگان کتاب‌ها کاهش پیدا کرده است. موضوعی که مستقیم می‌تواند به کتابخوانی مرتبط باشد، برخی ناشران گاهی به تیراز کم نسخه می‌رسند که واقعاً فاجعه است. بگذراند این مسأله را به دستفروشی کتاب هم بزنه، همیشه دستفروشی کتاب با تخفیف بالا تر از خالص به صنعت نشر دانسته‌ام. در وضعیت فعلی فعالیت در حوزه کتاب پرریسک‌ترین کار است و با این شرایط نشر به کمک نوسنده، مترجم و ویراستار محصولی تولید می‌کند و به محض اینکه کتاب موفق می‌شود اثر او را

احسان رضایی
نویسنده

پای صحبت اهالی فرهنگ که بنشینیم، همه از پایین آمدن تیراز کتاب و سرانه مطالعه گلایه دارند، که خب حرف درستی هم هست. هم عده‌های صفحات شناسانه کتاب‌ها همه‌چیز را نشان می‌دهند و هم آمارها و نمودارها گوینا هستند. اگر در نیمه اول دهه ۶۰، تیراز متوسط کتاب‌ها ۸۴۰۰ نفر در هر نوبت چاپ بود، حالا این عدد به هزار رسیده که البته همین هم از صدق‌سر ناشران کمک‌آموزشی است. از بین هفت ناشر پرکاری که مجموع شمارگان کتاب‌هایشان در طول دهه اخیر بیش از ۳۰۰ میلیون نسخه بوده، جز کانون پرورش فکری و هنری، بقیه کمک‌آموزشی هستند و اهل فن می‌دانند که یک دلیل تیراز بهتر کتاب‌های کانون هم در شبکه کتابخانه‌ای عظیم این نهاد در سرتاسر کشور است که حداقل از چاپ اول هر کتاب کانون، هزار نسخه برای این کتابخانه‌ها می‌رود وگرنه هر هفت ناشر پرکار و پرتیراز ما از کمک‌آموزشی‌ها بودند. کاهش تیراز کتاب‌های عمومی و غیردرسی، واقعیت است. بخشی از عوامل این اتفاق، البته ناگزیر هستند که



فرهنگ

جمعیت پاسود یا جمعیت کتابخوان

به این ترتیب نسبت جمعیت به شمارگان کتاب در دوره پهلوی این گونه برآورد می‌شود که به ازای هر ۸۰۲۲ نفر یک جلد کتاب منتشر شده است.

جمعیت کل کشور	جمعیت پاسود	متوسط شمارگان	نسبت جمعیت به شمارگان
۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۶,۸۰۰,۰۰۰	۲۰۹۴	۸۰۲۲

در این دوره هرچند جمعیت پاسود، تعداد کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی روبه افزایش است اما به نسبت گروه قبل یعنی قاجار متوسط شمارگان کتاب آن‌گونه که باید بالا رفته است.

دوره انقلاب اسلامی
پس از انقلاب اسلامی متوسط شمارگان در ۴۳ سال گذشته به جز نوسان‌هایی محدود همواره روند نزولی داشته است به‌طوری‌که متوسط کاهش شمارگان در دهه ۶۰ حدود ۷ هزار نسخه، دهه ۷۰ حدود ۵ هزار نسخه، دهه ۸۰، حدود ۳۵۰۰ نسخه دهه ۹۰ حدود ۱۵۰۰ نسخه بوده است.

در ابتدای یک دهه اخیر یعنی سال ۱۳۹۰ متوسط شمارگان ۲۹۷۱ نسخه در سال پایانی این دهه یعنی سال ۱۴۰۰ متوسط شمارگان ۱۰۹۱ نسخه است. این درحالی است که جمعیت ایران درحال حاضر حدود ۸۵ میلیون نفر برآورد می‌شود و نرخ بی‌سوادی در سال ۱۴۰۰ حدود ۵٫۹ درصد اعلام

شده است. مشخص است که با توجه به افزایش جمعیت پاسود کشور و کاهش شمارگان متوسط کتاب متوسط شمارگان به جمعیت پاسود فاصله بسیاری گرفته‌است به گونه‌ای که به ازای هر ۱۵۱۲۳ نفر یک جلد کتاب منتشر می‌شود.

جمعیت کل کشور	جمعیت پاسود	متوسط شمارگان	نسبت جمعیت به شمارگان
۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۶,۹۲۵,۰۰۰	۱۵۰۰	۵۱۲۸۳

در دوران بعد از انقلاب هرچند تعداد ناشران یعنی تولیدکنندگان کتاب بر اثر سیاست‌های ناشرپروانه افزایش چشمگیری داشته است اما از طرفی دیگر دولت‌ها در بحث ترویج کتاب و کتابخوانی آن‌گونه که باید موفق عمل نکرده‌اند به گونه‌ای که به جهت رشد بیش از حد و بدون قاعده تولیدکنندگان یعنی ناشران با افزایش تعداد عناوین کتاب‌های منتشر شده و در مقابل کاهش شمارگان مواجه هستیم. عده‌ای عنوان می‌کنند که در ۲۴ سال بعد از انقلاب اسلامی ما در تعداد عناوین کتاب‌های منتشره روند صعودی داشته‌ایم! این کاهش شمارگان با توجه به افزایش تعداد عناوین امری طبیعی است! از جواب این عزیزان باید گفت اولاً با توجه به رشد جمعیتی کل و رشد جمعیت پاسود کشور این حجه کاهش شمارگان به هیچ‌وجه طبیعی نبوده و حکایت از عدم اقبال جامعه مخاطب به کتاب و کتابخوانی دارد، ثانیاً مطابق آماری که چند روز پیش در همین روزنامه فرهیختگان منتشر شد ما در شمارگان کتاب به ن شان می‌دهد که عده اندرزی و توان سیاست‌گذاران کالن فرهنگی بر تولید معطوف بوده و کمتر به مباحث فروش و توزیع و از همه مهمتر ترویج کتابخوانی توجه شده است.

بدون شک رشد سواد در جامعه به معنی اقبال و استقبال از کتاب و کتابخوانی نیست و پرورش نسلی کتابخوان موضوعی به جز پرورش نسلی پاسود است.

منابع:

آمار نشر کتاب در ایران(۱۳۹۴-۱۳۵۸)، زیر نظر: مجید غلامی جلیسه به گوشخ مجتبی تبریزنیا و ساسان اقهقی. تهران: موسسه خانه کتاب، ۱۳۹۵. ایران و نقشه ایران، جرج کریم. ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۲ جلد، ۱۳۷۳.ش

شمارگان در کتاب‌های چاپ سنگی ایران. مجید جلیسه. کتاب ماه کلیات، سال ۱۴، شماره ۴، اسفند، ۱۳۸۹، ش، صص ۹۰-۹۲.

در آن مقطوعات در ایران. سازمان برنامه‌بودجه، مرکز آمار ایران، تهران: انتشارات سازمان برنامه‌بودجه، ۱۳۵۲.ش

بازار نشر را به حال خود بگذارید

حمید نورعلی
ناشر و کتابفروش

این روزها به بحث فعالیت مالیاتی ناشران داغ است و حرف روز بازار، با یکی از رفقای ناشر و کتابفروش صحبت می‌کردم و حرف‌مان گل انداخته بود. تعریف می‌کرد که سرمیز اداره مالیات از او سوال کرده شما که مدتی است درآمد فروشنده‌های‌تان کمتر از هزینه‌های آن است یا چه توجیهی به فعالیت‌تان ادامه داده‌اید و او در پاسخ از شغل دیگری گفته بود و درآمدی که از آن راه کسب کرده و به کتابفروشی برای بقا تزریق کرده است. می‌گفت برق حیرت و تعجب از از چشم‌ها میز مالیاتی دیدم و بی‌آنکه سوال کند از پرسیدم لایدمی خواهی بررسی چر چنین کاری کرده‌ام؟ آقای ممیز سر تکان داده که یعنی نه و دوست من به او گفته فکر نمی‌کنم بتوانی دلیلش را بگهی. این کار را تنها عاشق کتاب و کتابفروشی می‌تواند کرد. کند. حال‌این است حکایت این روزهای بازار نشر و کتابفروشی در ایران. هزینه‌های روی پا نگه داشتن یک فروشگاه و به‌روز نگه داشتنش بسیار کم‌رشدن شده است. از حقوق و بیمه و مالیات تا هزینه‌های جاری و پرداخت هزینه کرد برای به‌روز بودن محصولات. آنسوی دیگر افزایش قیمت‌محصولات کافه‌ی و دینت‌چیه کتاب‌سیاری برای ما همچنان از چار تزئید کرده‌است، خریدها افزاشده و حتی کتاب کم‌ترجایی برای معرفی ویرید ادهای تبلیغاتی بی‌رمون خودمتصور می‌شود. ناشران فعال رحتی غیرفعال تن به‌جندیت چاپ‌نمی‌دهند. کتاب‌ها از چاپخانه‌های استرانه‌ها به‌فراهم‌های تولید دیجیتال شده‌اند. کیفیت چاپ، طراحی، صفحه‌آرایی و... کم شده و دینت‌چیه شمارگان چاپ کتاب کم شده است. این یک واقعیت تلخ است، شاهد مدعی آن هم رقم شگرت‌هایی است که در ابتدای کتاب‌ها درج می‌شود. عده‌های شمارگان از ۲۰۰۰میدل به ۲۰۰۰ رسیده است و کتاب‌های لافر تولیدی نیز درنیات به امید برندن نشر که طی سال‌های قبل منتشرشده‌راحی فروشگاه‌های می‌شود. شمارگان لافرکم‌معنی بیشترنداره؛ کاهش خواننده از سویی خواننده‌تانواز از خرید کتاب است و ازسویی دیگر تعداد فروشگاه‌هایی که شانس داشتن معرفی نسخه‌ای از کتاب را پیدا می‌کنند، کم شده است. در این میان نویسندگان و مترجمان نیز وضعیتی مناسب‌تر ندارند. میانگین زمان دریافت دستمزد آنها‌هاز شش‌هده هشت‌ماه افزایش پیدا کرده و طبق قانون بازار کتاب در ایران کاهش شمارگان تجدید چاپ نیز در دستمزد تاثیر می‌گذارد. خلاصه اینکه او و باد و هم خورشید و فلک انکار دست‌به‌دست هم داده‌اند تا کتاب کمتر منتشر بتوان در این زمینه صحبت کرد.

محمدمصدق علیزاده
کارشناس حوزه کتاب

ما-و شما ندانده‌ا شما درخواست روید چه کار ما می‌کنشیم. فضا رو که گرفتید در اختیار ما بذارید ما کار خودمون روی نمی‌کنیم! ...

در یکی از همین دوره‌های نمایشگاه کتاب پایپج تبلیغات یکی از همین ناشران کمک‌آموزشی شده بودم که بنبر و بیابوردشان از صدر تا ذیل نمایشگاه بالا می‌رفت. لفتنی افرادی که دخلی در موضوع داشت رازنی کردیم. حضرت‌شان دعوتی کرد به دفتر موقتی که توی نمایشگاه علم کرده بودند برای ارائه برای این ماجرا. ۱۰ دقیقه‌ای زودتر از قرار رسیده بود می‌زند، تماحت فرهنگی بعدی اشن پیشکش!

بازار که ازآلشد و رگولاتوری و تنظیم‌گری که رها شد وضعیت می‌شود همین ایگی می‌شود ناشر آموزشی و کمک‌آموزشی که دلش از چرخه معیوب سیستم آموزشی کشور سکه می‌شود و از فضا جایی هم در سایه‌ای لشکر نشر دارند و اگر رگولاتورهای حوزه فرهنگ حواس‌شان نباشد. کما اینکه در دوره‌ای که در ابتدای این بخش کتابفروشی بازار که ازآلشد و رگولاتوری و تنظیم‌گری که رها شد وضعیت می‌شود همین ایگی می‌شود ناشر آموزشی و کمک‌آموزشی که دلش از چرخه معیوب سیستم آموزشی کشور سکه می‌شود و از فضا جایی هم در سایه‌ای لشکر نشر دارند و اگر رگولاتورهای حوزه فرهنگ حواس‌شان نباشد. کما اینکه در دوره‌ای که در ابتدای این بخش کتابفروشی حواس‌شان نبود. همان اندک بندل و توجه و فضا و بهره رسانی‌های، تبلیغاتی هم در اختیار این‌ها قرار می‌گیرد و پول است که روی سرمایه می‌آید، چرا که اصولاً نشر عمومی توان خرج کردن چنین پول‌هایی را ندارد. خرجی این چرخه معیوب و هم لگدمال‌شده محدود و جند ناشرانی است که پول و لاینی قدرت گرفته از پول این ناشران را ندارند. یک‌دقت هم یکی ناشر کی‌ی رو وندار در درویی می‌شود که کامی ویزه‌اش رده بازار است که ببیند کدام اثر موفق بوده و آب و گل درآمده و اقبالی نزد مخاطبان دارد. آن وقت است که با تغییر چند واژه و عوض کردن نام مترجم و گذاشتن نام مولفان و پدیدآورندگان که حتی ممکن است در حوزه فرهنگ وجود خارجی نداشته باشند، از موج زحمت دیگران اسکی و دو سکه روی سکه و مدعش هم خیلی شیک و معجلی بازار نامشروع خودش را گسترش می‌دهد و می‌شود به‌دروخوانده‌ای که توپ هم تکانش نمی‌دهد.

این قلم ادعایی در برخی جزئیاتی که در آمار منتشرشده «فرهیختگان» وجود داشت، ندارد که کما اینکه ممکن است در برخی جزئیات والا و وایس بودن آمار خرق یا بعضی منتقدان باشد. زآرند این آمار اما در حوزه سرطانی نشر که چندسال است دغدغه امثال من شده خوب داشت واقعیت روبه فقرانی آن را نشان می‌داد. سرطان و دملی که همه هم از آن خبر دارند و از ریزر و وکیل تن و ششما خبرنگار و ژورنالیست اما عزم ترک‌اندن و جراحی آن یکجاست الله اعلم! پاشاهه در این حوزه‌ای که شرحش دادم لخت است، بدجور هم لخت است حال اینکه بعضی می‌خواهند لباس دیگری به تن ماجرا بپوشانند، بحث دیگری است!

درگوشی و بین خوسان بماند؛ در چنین فضایی قمر در عقرب و بی‌حساب و کنایی حتی ممکن است بعضی متولیان امارزده نشر و فرهنگ هم وسوسه شوند. چگون‌ه؟ مثلاً فقط در یک قلم فرض کنید دری به تخته‌ای بخورد و اثری از یک متولی امارزده نشر توقیف شود. بازار سرطانی و زیرزمینی نشر در ادامه حتماً برای این قبیل آثار قواد می‌کند. حالا یک‌درد فرض کنید آن متولی مزبور با این شبکه زیرزمینی با هم سر سود نشر اثر توقیف‌شده در در شرکت درآیند. فرض محال که محال نیست؛ هست؟

حضرات شاک‌ی بودند که چرا دولت برای مدیریت فضای سینما یک گوشه ایستاده و صرفاً تماشاگر است و اقدامی نمی‌کند و سینما را به حال خود رها کرده و انگشتی نوی ماجران نمی‌کند؛ شانه‌تفرغی‌ها و کمک‌های سفیف و جنسی بدلیل آنکه برای تولیدکننده پول، به ارمان می‌آورند کل سینما را قبضه کرده و حالا در وضعیت بی‌دولتی سینما کار افتاده دست سرمایه‌دار یا باید با سرمایه‌بانی بی‌پروا و بازی و حیلان با همه اجتماع‌ی و حتی سیاسی‌اسازهای سینمایی اوایل دهه ۹۰ که کم‌اصولاً حق‌ی برای انکشت کردن حاکمیت در فرهنگ قابل نبودند شاک‌ی بودند که چرا حاکمیت گوشه‌ماجرای ایستاده به تماشا و میدان افتاده دست زماجرهای من و من سالوادور پستیم و از قبیل افتالانات! همه اینها را عارض شده که این را عارض شوم که فضای نشر هم